

**نویسنده:** پیتر کونینگ ( Peter Koenig )  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2019-11-11».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

---

## چشم انداز چین برای آینده: "به صلح فرصت دهید"

### China's Vision for the Future: "Give Peace a Chance"

سخنرانی پیتر کونینگ در انجمن بین المللی "توسعه 70 ساله چین و ساخت جامعه با آینده مشترک برای بشر"، شانگهای، نوامبر 2019

Peter Koenig's Presentation at the International Forum on "China's 70-Year Development and the Construction of the Community with a Shared Future for Mankind", Shanghai, November 2019

" - چشم انداز چین برای آینده "به صلح فرصت دهید". همچنین این عنوان یکی از برجسته ترین آهنگ های **جان لنون** است. این سرود برای جنبش ضد جنگ ، در زمان جنگ ایالات متحده علیه ویتنام شد. **جان لنون** یک فعال صلح بود. جای تعجب نیست که او خفقا ن یافته بود ، که توسط ارتش آمریکا دشمن شماره یک تلقی می شد ، توسط « FBI » مورد پیگیری و بررسی قرار گرفت - و سرانجام ترور شد. 9 اکتبر 1940 سالروز تولد وی است.



"به صلح فرصت دهید" شعار اصلی فلسفه صلح **چین** در طول انقلاب 70 ساله او است ، اغلب در برابر شرایط چالش برانگیز ، به ویژه در دهه گذشته با تجاوزات تقریباً دائمی از یک نوع یا دیگر توسط ایالات

متحد و متحدان همکار آنها در **اروپا** . **چین** یک چالش عظیم برای غرب است ، نه تنها به دلیل وسعت و پیشرفت اقتصادی و فناوری ، بلکه به این دلیل که **چین** به دنبال همکاری و توسعه مسالمت آمیز در سرتاسر جهان است .

غرب به دنبال صلح نیست . صلح برای تجارت بد است . جنگ خوب و سودآور است ، زیرا مجلات مشهور جریان اصلی واشنگتن پست بارها و بارها در ستون های باز خود تبلیغ کرده اند . به طور غیرقانونی ، هر دو جنگ جهانی در غرب آغاز شد . این فرضیه ای است که براساس آن ، تجا وزات دائمی غربی ها علیه شرق ، به ویژه رهبری شرق ، **چین** و **روسیه** در حال انجام است .

شعار عدم تجاوز و صلح - یک آموزه ( مائو )- در سیاست خارجی **چین** به عنوان اصلی ترین اصل از این تاریخ غالب است . هیچ نشانه ای وجود ندارد که **چین** از این جزم صلح که باعث ثبات درونی ، به رسمیت شناختن بین المللی او شده است ، فاصله بگیرد و **چین** را در طی چند دهه گذشته به یکی از مهمترین اقتصادهای جهان و همچنین رهبر پیشرفت های فناوری و زیست محیطی تبدیل کرده است . این ، با وجود توجیه مداوم غربی برای دزدان دریایی فن آوری غربی و از بین بردن محیط زیست . شیطنت مانند یک ابزار تبلیغاتی برای منحرف کردن توجه جهان از فجایع سرمایه داری غربی در سراسر جهان است . اما **چین** با چشم انداز آینده ای مشترک برای همه بشریت ، نه فقط **چین** ، بدون تحریک و سخا وتمندانه حرکت می کند .

اول اکتبر ، **چین** هفتادمین سالگرد پیروزی انقلاب خود را جشن گرفت . چشم انداز **چین** با انقلاب **چین** آغاز شد ، هنگامی که رهبر حزب کمونیست چین ، **مائو زدونگ** ، جمهوری اول مستقل **چین** را در اول اکتبر 1949 اعلام کرد و جانشین جمهوری جمهوری (1912) شد . در حقیقت ، انقلاب چین دقیقاً پس از جنگ دوم **چین** و ژاپن (1937-1945) آغاز شد ، در پایان جنگ جهانی دوم ، با جنگ داخلی **چین** (1945 - 1949) ، آن را نیز جنگ آزادی نامید .



کنفرانس بین المللی "توسعه ( 70 ) ساله چین و ساخت جامعه با آینده مشترک برای بشر" ( 5-6 )  
نوامبر در شانگهای ، بخشی از این جشن است . این یک رویداد رو به جلو و چشم انداز **چینی** برای آینده  
است . برای درک بهتر این دیدگاه برای آینده ، در اینجا نگاه می گذرا به گذشته خواهیم داشت .

## تاریخ با پیش بینی

بیش صد **« ما نوزدونگ »** طوری بود که اومی خواست سرانجام مردم **چین** را از صدها سال  
استعمار و ستم غربی ، از مصیبت های جنگ های اول و دوم تریاک (انگلیس تحمیل 1839-1842 ، و  
1856-1860) آزاد کند و حزب کمونیست **چین** را درگیر ( CPC - حزب کمونیست چین) در یک رویارویی  
همه جانبه با **کومینتانگ ( KMT ) Kuomintang** یا مرحله دوم جنگ داخلی ( 1945 - 1949 ) . **KMT**  
که حزب ملی نیز نامیده می شود کند ، که توسط جنرال **چیانگ کایسیک** رهبری می شد ، که پس از مرگ  
وی در سال ( 1925 ) ، جانشین و بنیانگذار **« KMT »** ، **« سونیا تسن ( Sun Yat-sen )** شد .

**چیانگ کایسیک** از حمایت ایالات متحده برخوردار بود ، که هدف اصلی آن متوقف کردن "گسترش"  
کمونیسم و دسترسی مداوم به ثروت های **چین** ، عمدتاً در قالب منابع طبیعی ، بلکه با بهره برداری از  
نیروی کار **چین** بود . واشنگتن به **چیانگ** دستور داد که روابط با اتحاد جماهیر شوروی را قطع کند - و  
تهدید رهبری کمونیستی در **چین** را از بین ببرد . این منجر به درگیری طولانی و خاموش از دهه ( 1920 ) به  
بعد بین **« KMT »** و **« CPC »** (همچنین مرحله اول جنگ داخلی در نظر گرفته شد) .

دشمنی ها اندکی پس از تأسیس **« KMT »** در سال **« 1919 »** که توسط ایالات متحده "کمک" میشد  
آغاز شد . در حالی که **( ما ئو )** و حزب کمونیست وی به عنوان برنده جنگ داخلی در سال **« 1949 »**  
ظاهر شدند ، **چیانگ کایسیک ( Chiang Kai-shek )** و یارانش استان یا ولایت **چینی تایوان** را به  
دست گرفتند ، جایی که **کومینتانگ** هنوز حزب حاکم است . عدم تجاوز **چین** علیه اشغال **تایوان** یکی  
از بسیاری از تظاهرات رویکرد صلح آمیز دیپلماتیک **چین** در مورد درگیری است .

رئیس جمهور فعلی جمهوری **چین** ، همانطور که خود را تایوانی می نامد یا می شمارد ، تایوانی که گرچه  
جزئی از **چین** است ، اما **Tsai Ing-wen ( اینگ-ون ) (蔡英文)**؛ زاده ۳۱ اوت ۱۹۵۶) یک سیاستمدار ،  
وکیل ، و استاد دانشگاه اهل تایوان است . وی از ۲۶ مه ۲۰۱۶ هشتمین و نخستین رئیس جمهور زن جمهوری  
**چین** می باشد <sup>[۱]</sup> و از اعضای حزب پیشروی دموکرات می باشد . **تسای اینگ-ون** در سخنرانی پیروزی خود  
در انتخاب ریاست جمهوری وعده داد که از مناسبات موجود بین تایوان و **چین** پاسداری کند . او تأکید کرد  
که پکن نیز باید نظام دموکراسی در تایوان را محترم بشمارد ( یک سیاستمدار و استاد ، از سال ( 2016 )

در سمت ریاست جمهوری است. او کاملاً به منافع واشنگتن و غرب توجه دارد. به طور کلی، حتی برای خرید مستقل - و کاملاً غیرقانونی - اسلحه از ایالات متحده سرزنش می‌شود. در حالی که بخشی از جمهوری خلق چین «PRC»، تایوان از یک استقلال خاص برخوردار است، باز هم تعارف از رویکرد غیر جنگنده چین به درگیری‌ها.



تسای اینگ-ون

امروز، تایوان هنوز هم توسط «14» کشور از (193) عضو سازمان ملل به عنوان نماینده رسمی چین شناخته می‌شود. این درحالیست که سازمان ملل در سال (1971) جمهوری خلق چین را به عنوان نماینده رسمی چین با یکی از پنج کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد. کشورهایی که تایوان را به عنوان چین رسمی به رسمیت می‌شناسند، هنوز هم برای خشنود کردن واشنگتن خم می‌شوند و یا سر فرو می‌آورند، که این سر فرو آوردن‌ها کم‌تر و کم‌تر می‌شوند، زیرا چین به عنوان اقتصاد شماره یک جهان در حال ظهور است. که آن را اقتصادی و اقتصادی بنامید، زیرا پیشرفت‌های چین فقط با معیارهای غربی رشد اقتصادی خطی اندازه‌گیری نمی‌شود بلکه رشد توزیع را ترویج می‌کند و شامل پیشرفت‌های گسترده‌ای از کیفیت زندگی افراد نیز می‌شود.

پیروزی (مائو) دوران جدیدی را برای مردم چین به ارمغان آورد. (مائو) و حزب کمونیست چین (CPC) با آنچه که وی آنرا به نام جهش بزرگ به جلو (1958 - 1962) نامید، یک کارزار اجتماعی و اقتصادی را برای تبدیل مناطق کشاورزی روستایی به یک اقتصاد صنعتی سوسیالیستی از طریق کشاورزی عمومی یا تعاونی‌های کشاورزی هدایت کردند. این تلاش (4) ساله به طور مداوم مورد حمله خرابکاران ضد کمونیست نفوذی یعنی خرابکارانی که در بین کمونیست‌ها فلتر شده بودند و یا نفوذ کرده بودند همراه بود که برای چین با هزینه اجتماعی و پولی بالایی تمام شد. اما این یک مرحله یادگیری بود. ظهور؛ شعله‌ورمانند و یا صاعقوی چین به مقام دوم (از نظر برخی حسابها اولین) اقتصاد جهان، ثابت کرد که این دروس به شکست مداخلات آمریکا در آن زمان و امروز کمک کرده است.

انقلاب فرهنگی ده ساله از (1966) تا (1976) یک جنبش سیاسی - اجتماعی (مائو) با هدف پاکسازی چین سوسیالیستی از نفوذ عناصر خرابکار گماریده شده و نفوذی سرمایه‌داری بود - سپس؛ و تا حدود حتی تا امروز در چین به اصطلاح این عناصر ستون پنجم وجود دارد؛ اصطلاحی ستون

پنجم که در طول جنگ داخلی اسپانیا ابداع شد. یعنی هنگامیکه حزب نازی **جنرال فرانکو** (فالانز) = جنبش فاشیستی اسپانیا در توامیت با حزب ناسیونالیست دست راستی در سال «1973» بعنوان حزب حاکم اسپانیا عرض اندام کرد) آنچه را که به آن ستون پنجم نام نهادند. که عناصر این ستون پنجم بشکل مخفیانه در میان نیروهای دفاعی جمهوریخواه **درما درید** جا سازی شده بودند؛ بهر صورت امروز عناصر ستون پنجم در همه جاها وجود دارند آنها در هر کشوری که واشنگتن و متحدان غربی آن خواهان تسلط و تحریک به «تغییر رژیم» هستند فعالیت دارند که فعالیت آنها به شکل از اشکال مختلف از جمله نفوذ پنهانی شان بعنوان سازمان های غیر دولتی غربی میباشد - لذا واضح بود که غرب و بطور عمده امپراتوری نو ظهور آمریکا؛ میخواست انقلاب «ماوو» را مختل کند؛ آنها اجازه نمیدادند که **چین** تحت ارزش های سوسیالیستی و کمونیستی و اعتقادات خود شگوفاشود.

مداخله خارجی در انقلاب **چین** هزینه های هنگفتی را برای **چین** به همراه داشت. در نتیجه، انقلاب های «**مائو**» غالباً توسط غرب به عنوان شکست به تصویر کشیده می شود، و معمولاً غربی ها باعث از بین رفتن موفقیت ملل دیگر، از دیگر سیستم های اقتصادی اجتماعی، به منظور پنهان کردن شکستهای فاجعه آمیز غربی خود می شوند. از منظر **چینی** و بشردوستانه، انقلاب های «**مائو**» به طرز چشمگیری در بهبود سیستم آموزش عمومی و بهداشت، ریشه کن کردن بیماری های مرگبار اندیمی (همگیر) که از زمان استعمار و «**KMT**» تحت سلطه غربی ها به ارث رسیده اند - و مهمتر از همه، فقر تا حد زیادی از بین رفته است. از این روزها، حدود (750) میلیون نفر از فقر برداشته شده اند. کاهش فقر مورد تأکید هر دو انقلاب «**مائو**» بود. این انقلابها همچنین درسهای ارزشمندی را به دانشمندان **چینی** و رهبران آینده آموخته اند - و **چین** را به شدت به سمت خودکفایی مواد غذایی که او تا سال (2018) به آن رسیده، پیشرفت کرده است.

به لطف این درسهاست که پس از مرگ (**مائو**) در سال (1976)، جانشین وی، **دنگ شیائوپینگ**، **چین** را با انجام یک نوع اصلاحات اقتصادی گسترده، از جمله عناصر اقتصاد بازار، اما هر چند همیشه تحت کنترل دولت مرکزی رهبری کرد - اصولی که تا حال حفظ می شود اصول **دنگ** الگوی اقتصادی جدید **چین** را "سوسیالیسم با ویژگی های **چینی**" نامید، اصلی که امروز نیز ادامه دارد. وی به پیشرفت **چین** در سریعترین رشد اقتصادی جهان و بهبود زندگی صدها میلیون شهروند کمک کرد. **دنگ** همچنین از بازگشت هنگ کنگ از مستعمره انگلیس به **چین** در سال (1997) و **ماکائو** از پرتغال در سال (1999) استفا ده کرد. این انتقال توسط جانشین **دنگ**، **جیان زمین** به پایان رسید.

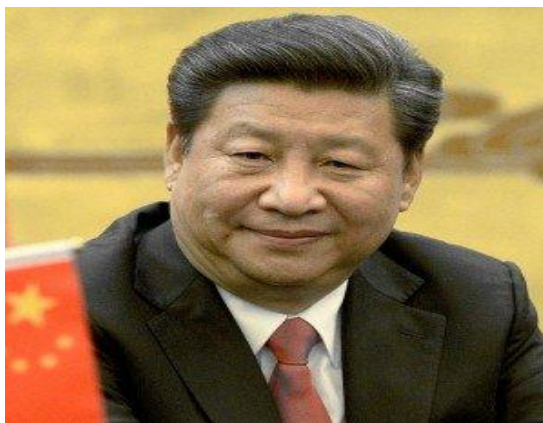
**دنگ** در سال (1992) بازنشسته شد. جانشین وی، **جیان زمین**، چندین مقام عالی رتبه در دولت های قبلی داشت و از سال (1993 - 2003) رئیس جمهوری خلق **چین** بود. **جیان زمین** دروازه **چین** را برای سرمایه گذاری های خارجی و تجارت باز کرد. وی در سال (1997) به آمریکا رفت و در

آنجا با رئیس جمهور **کلینتون** ملاقات کرد. **جیان** به دنبال سیاست خارجی غیرقابل تقابل ، مانند پیشینیان خود ، روابط با شرکای غربی ، به ویژه ایالات متحده را تقویت کرد - و رشد اقتصادی سالانه حداقل (8٪) را در خانه داشت. این امر منجر به انفجار ثروت شد ، اما همچنین در ابتدا به توزیع کمتری از ثروت ، که بیشتر آنها در سواحل شرقی **چین** متمرکز شده اند ، منجر به درگیری با "مناطق داخلی **چین**" کمتر توسعه یافته می شود.

**هو جینتاو** از **ژوئن زمین** به عنوان رهبر برتر **چین** از (2002) تا (2012) پیروی کرد. **هو** ، به عنوان یک رهبر نسبتاً معتدل ، به همراه نخست وزیر خود ، **ون جیا باو** ، و معاون او رئیس جمهور ، **شی جینپینگ** ، سیاست رشد و توسعه اقتصادی را ادامه دادند و به موفقیت های بیشتری دست یافتند. بیش از یک دهه رشد دو رقمی ، با این حال اقتصاد را به تدریج بیشتر به رشد غیر مصرفی سوق می دهد ، در عوض ، برابری اقتصادی و اجتماعی را با هدف ایجاد "جامعه سوسیالیستی ها رمونی" تقویت می کند.

**هو** به دنبال **چینی** مرفه و عاری از درگیری های اجتماعی داخلی بود و از نظر داخلی و خارجی "سیاست توسعه مسالمت آمیز" - با "قدرت نرم" به معنای رویکرد دیپلماتیک به موضوعات سیاست خارجی را دنبال می کرد ، که هرگز رویارویی نبود. در زمان حکومت **هو** ، **چین** نفوذ خود را در آفریقا و آمریکا لاتین افزایش داد و زمینه ساز روابط نزدیک تر آینده با این مناطق شد. **هو** همچنین برای رهبری مشترک و مبتنی بر اجماع مشهور بود. **هو** در سال (2013) توسط **شی جینپینگ** موفق شد.

## چشم انداز:



شی جینپینگ

**وارد دوران رئیس جمهور شی جینپینگ شوید.** او یک حقوقدان، مهندس شیمی، فیلسوف و مبصری است. در (7 سپتامبر 2013)، رئیس جمهور شی جینپینگ در دانشگاه نظریه فیزیک قزاقستان سخنرانی کرد، که او در آن سخنرانی خود در مورد "دوستی مردم به مردم و ایجاد آینده بهتر" صحبت کرد. وی به بیش از 2100 سال پیش به جاده باستانی ابریشم اشاره کرد، که در دوره سلسله غربی **هان چین** (206 قبل از میلاد - 24 م) شکوفا شد.

**شی جینپینگ** با اشاره به این دوره بیش از «2000 سال قبل»، به تاریخچه مبادلات زیر جاده ابریشم باستانی اشاره کرد و گفت:

"آنها ثابت کرده اند که کشورهای که اختلافات در نژاد، اعتقاد و پیشینه فرهنگی دارند، می توانند کاملاً صلح و توسعه را به اشتراک بگذارند، ما دمی که در اتحاد و اعتماد متقابل، برابری و منافع متقابل، تحمل متقابل و آموختن از یکدیگر و همچنین باهم همکاری نمایند نتایج آن برد-برد است."

چشم انداز **Xi «شی جینپینگ»** ممکن است جهان قرن بیست و یکم را شکل دهد. او بلافاصله پس از به دست گرفتن ریاست جمهوری در سال «2013»، طرح کمربند و جاده را ابتکار و طراحی نمود، طراحی و مهندسی کرد. او این پروژه "زمینی" را راه اندازی کرد، ایده ای خارق العاده برای اتصال جهان با مسیرهای حمل و نقل، زیرساخت ها، سرمایه گذاری های مشترک صنعتی، مؤسسات آموزشی و پژوهشی، مبادله فرهنگی و موارد دیگر. (BRI = یک جاده و یک کمربند) که در قانون اساسی **چین** گنجانده شده، پرچمدار سیاست خارجی **چین** است.

BRI یا یک جاده و یک کمربند به معنای واقعی کلمه در حال حال ساختن پل و اتصال مردم قاره ها و ملل مختلف است. هدف از جاده ابریشم جدید "ساختن بازار بزرگ و یکپارچه و استفاده کامل از بازارهای بین المللی و داخلی، از طریق تبادل فرهنگی و ادغام، تقویت تفاهم و اعتماد متقابل کشورهای عضو است و در یک الگوی خلاقانه با سرمایه قرار می گیرد. جریان، استخراج استعداد و بانک اطلاعاتی فناوری

در طول نوزدهمین کنگره ملی سال 2017، BRI در قانون اساسی **چین** (CPC) به عنوان اصلاحی برای ترویج هدف BRI از "منافع مشترک" و "رشد مشترک" که از اهداف اصلی سیاسی برای **چین** هستند درج شد. این اصلاحیه قانون اساسی برای افزایش همکاری های بین المللی از طریق یک تلاش چند جانبه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در تاریخ **چین** بی نظیر است. این دقیقاً متناسب با موضوع انجمن حاضر، "ساخت جاده با آینده مشترک برای بشر" است.

## جنگ تجاری ایالات متحده با چین. ترامپ می خواهد کشورها را از استفاده از یوان (Yuan) به عنوان ارز ذخیره ارزی مسدود کند

یک کمربند ویک جاده (BRI) یک پروژه استراتژی توسعه جهانی است که توسط دولت چین اتخاذ شده است، سرانجام با سرمایه گذاری در بیش از (150) کشور و سازمان های بین المللی - و در حال رشد - در آسیا، آفریقا، اروپا، خاورمیانه و آمریکا. (BRI) یک طرح سرمایه گذاری چند تریلیونی برای راهیابی یا مسیرهای حمل و نقل در خشکی و دریایی و همچنین ساخت زیرساخت های صنعتی و انرژی، اکتشاف انرژی، تبادل فرهنگی و امکانات ادغام، مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی - و همچنین تجارت بین کشورهای متصل است؛ و برخلاف WTO (سازمان تجارت جهانی)، BRI به ملت ها اجازه می دهد از مزایای مقایسه ای خود بهره مند شوند و وضعیت برنده را ایجاد می کند. در اصل، BRI برای ایجاد تفاهم و اعتماد متقابل بین کشورهای عضو، امکان جایگزینی سرمایه های آزاد، مجموعه ای از متخصصان و دسترسی به پایگاه یا بیس ها داده های فناوری مبتنی بر BRI را فراهم می کند.

در حال حاضر، تاریخ اختتامیه BRI برای سال 2049 پیش بینی شده است که همزمان با صدمین سالگرد چین جدید است. اندازه و موفقیت احتمالی برنامه نشان می دهد، با این حال، در حال حاضر امروز که به احتمال زیاد فراتر از آن تاریخ گسترش خواهد یافت. البته شاید این ذکر است که تنها در سال 2019، شش سال پس از آغاز به کار، BRI به یک کالای خبری در غرب تبدیل شده است. قابل توجه اینکه به مدت شش سال BRI توسط رسانه های غربی نادیده گرفته شده بود، به این امید که ممکن است این پروژه از بین برود. یا زایل شود که از بین نرفت برعکس، بسیاری از اعضای اتحادیه اروپا قبلاً در BRI عضو شده اند، از جمله یونان، ایتالیا، فرانسه، پرتغال - و موارد دیگر یا کشورهای دیگری پیروی خواهند کرد، زیرا وسوسه شرکت در این رونق اقتصادی و اقتصادی پیش بینی شده بسیار زیاد است.

آلمان در مورد مزایا و تضادهای شرکت در (BRI) تصمیم گیری می کند. جامعه تجاری آلمان، مانند تجارت در سراسر اروپا، کاملاً طرفدار رفع تحریم های تحمیل شده توسط ایالات متحده و اتصال مجدد به شرق، به ویژه با چین و روسیه است. اما برلین بشکل رسمی هنوز با یک پا در کاخ سفید - و با پای دیگری در تلاش است تا دنیای تجارت آلمان - و اروپا را دلگرم کند. این عمل متعادل در طولانی مدت پایدار و قطعاً مطلوب نیست. کنون «BRI» در حال حاضر به طور فعال در بیش از 80 کشور جهان که حداقل نیمی از عضویت در اتحادیه اروپا را دربرمیگیرد درگیر در یک جاده ویک کمربند هستند.

کنون غرب برای مقابله با فشار بخاطر نه پیوستن به «BRI»، اتحادیه اروپا، که اساساً توسط ناتو اداره می شود و با واشنگتن ارتباط نزدیکی دارد، «جاده ابریشم» خود را آغاز کرده است تا آسیا را از



طریق ژاپن به اروپا متصل کند. به این معنا، اتحادیه اروپا و ژاپن "توافق نامه تجارت آزاد" را امضا کردند که شامل فشرده ای برای ساخت زیرساخت ها، در بخش هایی مانند انرژی، حمل و نقل و وسایل دیجیتال است. هدف تقویت روابط اقتصادی و فرهنگی بین دو منطقه و تقویت روابط تجاری بین آسیا و اروپا است. این یک تلاش آشکار برای رقابت با یا حتی حاشیه **BRI چین** است. اما به همان اندازه آشکار است که این پاسخ شکست خواهد خورد. معمولاً ابتکار عمل در سرنوشت موفق انجام نمی شود. و **چین**، نه **چین** غیرمتشکل و یا متخاصم، بعید است که این رویکرد رقابتی اتحادیه اروپا و ژاپن را به چالش بکشد.

جاده ابریشم جدید **چین** در حال ایجاد جهانی شدن چند قطبی است که همه شرکت کنندگان از آن سود خواهند برد. ایده تشویق رشد اقتصادی است که به صورت متوازن توزیع می شود تا فرصت های توسعه برای افراد نیازمند در اولویت قرار گیرد. این بدان معناست که مناطق توسعه نیافته غرب **چین**، **روسیه شرقی**، **آسیای میانه**، اروپای مرکزی - دسترسی به آفریقا و خاورمیانه، آمریکای لاتین، و همچنین به جنوب شرقی آسیا و اقیانوس آرام. میسر شود **BRI** در حال حاضر مشغول ساخت و برنامه ریزی حدود شش تا ده مسیر خشکه و دریایی است که آفریقا، خاورمیانه، اروپا و آمریکای جنوبی را به هم وصل می کند (به نقشه بالا مراجعه کنید).

انتظار می رود بودجه پویای یا دینامیک معادل چند تریلیون دلاری که معادل (10) میلیارد دلار توسط **چین** تأمین شود، عمدتاً اما نه انحصاراً توسط بانک زیرساخت ها و سرمایه گذاری های آسیایی (AIIB)، توسط روسیه - و همه کشورهایایی که بخشی از **BRI** و درگیر آن هستند. در پروژه های تک یا چند کشور

اجرای **BRI** یا همان جاده ابریشم جدید به خودی خود تحقق چشم انداز ملل است: اتصال صلح آمیز، زیرساخت های مشترک و توسعه صنعتی و همچنین مدیریت مشترک منابع طبیعی. به عنوان مثال، **BRI** ممکن است در زمینه زیرساخت ها و مشاوره های مدیریتی برای حل یا جلوگیری از درگیری در منابع آب فرامرزی کمک کند. حدود 263 حوضه دریاچه ای و رودخانه ای مرزی وجود دارد که تقریباً نیمی از سطح زمین را پوشانده و حدود 150 کشور را شامل می شود. علاوه بر این، در حدود (300) سفره سفر مرزی وجود دارد که حدود (2) میلیارد نفر را به آب های زیرزمینی وابسته می کنند

منابع آب، که زندگی به آنها بستگی دارد. اگر این منابع به طور صحیح مدیریت نشوند، مثلاً یک یا چند طرف از سایر کاربران استفاده کنند، یک درگیری به وجود می آید. اغلباً چنین

درگیری‌ها می‌توانند خشونت‌آمیز شوند. «BRI» ممکن است این منبع از خصومت‌های بالقوه را به منبعی برای صلح تبدیل کند. آب یکی از منابع مشترک جهان است و به همین دلیل ممکن است ابزاری برای اتصال صلح‌آمیز باشد.

دولت چین ابتکار عمل‌جا ده ابریشم را "تلاش برای تقویت ارتباط منطقه‌ای و پذیرای آینده روشن‌تر" می‌نامد. با توجه به اینکه منابع آب شیرین به سرعت در حال کاهش برای استفاده آمده در عرصه عمومی است، به دلیل آلودگی‌های صنعتی و انسانی و خصوصی سازی مدیریت منابع آب و آب‌های فرامرزی به طور خاص، ممکن است در یک "آینده مشترک برای بشر" ساخته شود. اصول راهنما را برای این آینده مشترک از منابع اساسی زندگی - آب - ارائه می‌دهد.

امروز، "به صلح فرصت دهید" از همیشه مهم‌تر است. و چین پیشرو در توسعه صلح‌آمیز در سراسر جهان است. در جریان کنفرانس کوبا "برای جهانی شدن در تعادل" در ژانویه سال «2019» یکی از نمایندگان چین در ارائه سخنان خود بسیار واضح گفت: "ما در حال ساختن پلی‌های بین مردم و ملت‌ها هستیم تا جهان را به طور صلح‌آمیز متصل کنیم." بدون شک، او درست است و به ابتکار کمربند و ابتکار رجا ده رئیس جمهور شی جینپینگ به جا ده ابریشم جدید اشاره کرده است.

و اما متأسفانه که همچو پلی‌سازی و یا همین مسئله را نمیتوان در مورد غرب دید؛ غربی که در عوض پلی‌سازی بین دولت‌ها به ساختن دیوارها می‌پردازد بویژه که توسط ایالات متحده آمریکا در همکاری با کشورهای مطیع از اتحادیه اروپا دنبال میشود؛ مثل دیوارهای فزیکی، یا دیوارهای تشدید درگیرها و مخاصمات و جنگ‌ها، و دیوارهای از «تحریم‌های اقتصادی» که پیوسته توسط این شرکا صورت می‌گیرد. تا جاییکه مردم را خفه میکنند و یا که می‌کشند. و هر زمانیکه یک دولت آموزه‌ها و یا سفارشات نیولیبرال ایالات متحده را به اشتراک نگذارد و یا از زانوزدن و خم شدن به دیکته آمریکا بخاطر تلاش‌های آمریکا مبنی بر غارت منابع اش خود داری کند، آن کشور سرکش از او امر آمریکا ابتدا در معرض تحریم‌های ظالمانه قرار می‌گیرد و بعداً بخاطر تغییر رژیم در آن کشور به مداخلات نظامی دست بکار میشود که البته این همه چیز برای ایالات متحده ممکن است؛ چونکه جهان غربی توسط سیستم حکمی (fait) دلاری اداره میشود که بر اساس آن همه معاملات بین‌المللی باید از طریق بانک‌های آمریکایی و بویژه از طریق بانک والستریتر ترانزیت شوند؛ اینگونه است که آنها نقل و انتقالات

را مسدود میکنند ، مصادره میکنند و پول را دریانک هی در سراسر جهان به سرقت می برند .  
تحریم ها در ونزوئلا به زودی پس از انتخاب رئیس جمهور **هوگو چا وز** به عنوان رئیس  
جمهور در سال « 1998 » آغاز شد . آنها یعنی این تحریم ها تحت فشار **(اوباما )** در سال  
« 2014 » به شدت افزایش یافتند و رئیس جمهور **ترامپ** در سال « 2017 » این کشور را  
حتی بیشتر فشرده کرد یا تحت فشار قرارداد . در آگوست سال « 2019 » **ترامپ** به حداکثر  
تا بینی مجرای اختناق و یا خفه شدن اقتصاد را برای این کشور بیشتر کرد . یعنی "با بیشترین  
مجازات برای هر کشوری" ، که با ونزوئلا معامله تجارتهای و یا دادوستد نماید ؛ وی با افتخار  
اعلام کرد که او حسابات کشور معامله گر با ونزوئلا را مسدود و حسابات دولتی آنرا از  
جمله حساب های ذخیره ملی و طلائی او را در سراسر جهان غرب مصادره خواهد کرد . آنها  
دارایی های ونزوئلا را در آمریکا و بین المللی توقیف می کنند ، کشتی ها را متوقف می سازند  
و در غیر این صورت تجارت را متوقف می کنند ، به عنوان مثال از ورود داروها و ذخایر مواد  
غذایی مهم به این کشور جلوگیری می کنند ، ضمن اینکه تحریم هایی را نیز برای کشورهای که  
با ونزوئلا معامله می کنند تهدید می کنند .

بگفته مقامات ونزوئلا ، خسارات مالی از سال « 2017 » برای این کشور حداقل « 130 »  
میلیارد دلار بوده است . این فوندها و یا مایه ها نشان دهنده کالاها و خدمات هستند که نبود  
آنها نه تنها بهزیستی بلکه زندگی واقعی ونزوئلاها را به خطر می اندازد . این « 130 » میلیارد  
دلار برای ونزوئلاها می توانست به طور کافی مواد غذایی و دارویی تأمین کند تا که آنها بتوانند  
به خوبی زندگی کنند و بیمارستان ها بتوانند با داروهای و تجهیزات لازم کار کنند . علاوه بر این  
ایالات متحده به مزدوران و اعضای مخالف دولت هدایت به خرابکاری در سیستم برقی کشور  
میدهد که همین امر باعث شده بود که در بعضی مناطق کشور به نسبت قطع و خرابی سیستم  
برق ، در هفته های تاریکی حکمفرما باشد ، و یک فاجعه برای بیمارستان ها به نسبت قطع  
برق به بار آورد از اینکه همه یخچال ها از کار افتادند و سالن های عملیات ها در شفاخانه  
تاریک ماند ؛ رویهمرفته ، یک مطالعه جدید توسط مرکز تحقیقات سیاست های اقتصادی (CEPR)  
در واشنگتن نتیجه گرفته است که تحریم های ایالات متحده و متحدان اروپایی آنها ممکن است  
که جان « 40000 » ونزوئلا را به مخاطره انداخته باشد . اما ونزوئلایی ها از لطف حمایت  
های **چین** و **روسیه** دور نبوده بلکه زنده مانده اند یعنی که روسیه و چین در مورد مردم ونزوئلا  
غافل نیستند . .

در این زمان همچنین می توان به محاصره « 60 » ساله کوبا ، جنگ تحریک آمریکا بر عراق ، سوریه ، افغانستان ، ویتنام ، جنگهای داخلی در آمریکای مرکزی ، آفریقای میانه ، خصومت با کره شمالی اشاره کرد - و البته تجا وزهای مداوم - در مقابل چین و روسیه - و خیلی موارد دیگر. همه برای ریشه کن کردن هرگونه "تهدید" سوسیالیسم که ممکن است به عنوان یک جایگزین مثبت برای سرمایه گذاری بی حد و حصر توریو(بدون برک یا «ترمز») که در حال حاضر جهان غرب را اداره می کند گسترش یا بد.

اما این یا دآوری ها در مورد عملکرد های غرب وانگیزه آن برای هژمونی جهانی و آنهم در بی احترامی آشکار به قوانین پذیرفته شده بین المللی و از جمله به حقوق بشر کافی است که توجه جهانیان را به آن معطوف کرد این فقط نشان دادن چند نمونه ای در کنار باهم ردیف شده ای است که در شرق و غرب و بویژه در برابر روسیه و چین که در پی تحقق طرح توسعه اقتصادی چند قطبی و هرچه سخا و تمندانه و صلح آمیز اند است طرحی که می خواهند مردم را از طریق تجارت و از طریق یک کمربند ویک جاده (BRI) باهم متصل کنند.

« آینده از آن شرق » است ؛ پیشرفت ها بگونه محوری در انکشاف است . این همچنین اعتقاد جدی من است. منظور از شرق ، چین ، روسیه ، بیشتر آسیای میانه است. اکنون همه با سازمان همکاری شانگهای (SCO) یا پیمان شانگهای معرفی شده اند. « SCO » یک اتحاد سیاسی ، اقتصادی و امنیتی اوراسیا است ، ایجاد آن در ( 15 ) ژوئن ( 2001 ) در شانگهای چین توسط رهبران چین ، قزاقستان ، قرقیزستان ، روسیه ، تاجیکستان و ازبکستان اعلام شد. این پیمان در ژوئن « 2002 » به امضا رسید و در سپتامبر « 2013 » به اجرا در آمد. دفتر مرکزی سازمان شانگهای « SCO » در پکن است.

امروز ، سازمان شانگهای ( SCO ) هشت عضو دائمی دارد که از جمله عضو هند و پاکستان را نیز شامل می شود. ایران و مغولستان در آستانه عضویت در " لیست انتظار " این سازمان قرار دارند. ترکیه ، بمنظور شرکت در این سازمان کنون در حال گفتگو است که به طور فزاینده ای رقابت کننده به خاطر دسترسی به سازمان شانگهای « SCO » چه بشکل وابستگی و چه با عضویت کامل ، در تلاش پیروزی است و این ، شاید که موجب درگیری ترکیه با شرکای « ناتو » اش شود ، و بطور عمده با ایالات متحده . واضح است ، اگر ترکیه برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای خبر درست باشد ، و یا خروج او از « ناتو » قریب الوقوع باشد - در آن صورت برای ( ناتو ) طبعاً فاجعه بار است ، و اما در کنار آن شاید که خروج ترکیه از « ناتو » مانع از سقوط « ناتو » شود. به خصوص ، از آنجا که فشارهای گسترده ضد « ناتو »

از سوی ایتالیا به آلمان، یونان، اسپانیا و پرتغال به طور پیوسته در حال رشد است. ترکیه همچنین استراتژیکی ترین شریک «**نا تو**» بین شرق و غرب است. یعنی بین اروپا و آسیا کنترل بسفر (تنگه ای که دریای سیاه را با دریای مرمره متصل می کند و اروپا را از شبه جزیره آنا تولی در غرب آسیا جدا می کند. استانبول در انتهای جنوبی آن واقع شده است). دسترسی به دریای سیاه.

سازمان اقتصادی شانگهای (SCO) همچنین چندین شریک ناظر و گفتگو دارد که در نهایت فرض بر این است که ممکن است اعضای «SCO» تمام عیار شوند. «SCO» به اتحاد شرق نیز گفته می شود و از جهات بیشتری به عنوان یک ستون در نظر گرفته می شود: اعضای «SCO» تقریباً نیمی از جمعیت جهان و تقریباً یک سوم از با زده اقتصادی جهان را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، این اتحاد شرقی از نظر سیاسی و اقتصادی مستقل است و تا حد زیادی از اقتصاد "مستعد تحریم" مبتنی بر دلار غربی جدا شده است.

سازمان اقتصادی شانگهای، ابتکار عملکرد چینی در اوایل دهه (2000)، در سال (2013) توسط یکی دیگر از ابتکارات درخشان چینی، BRI، پوشش داده شد و گسترش یافت. همچنین ممکن است انجمن دیگری از کشورها، اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU)، در درجه اول یک همکاری تجاری به این نیروگاه اضافه شود. اعضا در آسیای مرکزی و شمالی قرار دارند و شامل ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه هستند. این پیمان رسماً در ژانویه سال «2015» تأسیس شد.

این بخش از کشورها و انجمنهای شرقی به دنبال خلاف همه اختلافات است، دنیای چند قطبی، دنیای صلح و شکوفایی برای همه - یک چالش بزرگ با توجه به عدم توازن فعلی اقتصادی - اقتصادی - اما با احترام متقابل و با یک اراده همکاری، امکان پذیر است. نیروهای هم افزایی و همبستگی، هماهنگی که ذاتی رویکرد کمربند و جاده است. مخاطرات بالا هستند. به عنوان وزیر امور خارجه روسیه، آقای لاوروف در ماه سپتامبر 2019 در 74 مجلس شورای اسلامی سازمان ملل متحد خاطر نشان کرد: "غرب واقعیت را با تلاش برای جلوگیری از ایجاد یک جهان چند قطبی با اعمال قوانین "لیبرال" با ریک خود بر دیگران نادیده می گیرد." اما، وی افزود، "تسلط غرب در حال از بین رفتن است،" ما لیبرال هستیم، بنابراین همه چیز مجاز است "دیگر کار نمی کند." این سخنان پایه و اساس یک ستون و اتحادیه مستحکم اتحادیه های شرقی است.

## چشم انداز و بصیرت :

## اقتصاد:

چین طی دهه های گذشته نرخ رشد اقتصادی پدیده را ثبت کرده است و در بعضی مواقع بیش از ( 12 ) درصد در سال است. امروز این هدف به حدود ( 6 ) درصد کاهش یافته است ، بنا براین می توان توزیع بهتری از مزایای رشد و همچنین گسترش ثروت به صورت افقی برای ایجاد برابری بیشتر بهزیستی انجام داد.

## در ارقام و حقایق:

تولید ناخالص داخلی چین به ارزش دلار آمریکا ( 14.2 ) تریلیون دلار اندازه گیری شده است (اسمی؛ 2019 هزینه) ، که مربوط به برابری قدرت خرید ( 27.3 ) تریلیون دلار (PPP)؛ 2019 است). این مربوط به ( 10153 ) دلار آمریکا / سرانه ، در مدت اسمی (2019 است). به ( 19.520 ) دلار آمریکا / سرانه است که توسط PPP [ برابری قدرت خرید = purchasing power parity ] بیان می کند که ، در یک بازار کارآمد ، نرخ ارز دو ارز منجر به قدرت خرید برابر می شود. یعنی اگر یک پوند به ارزش دو دلار باشد ، یک پوند در انگلیس باید همان کالا و خدمات را خریداری کند که دو دلار در ایالات متحده می تواند خریداری کند. تصور می شود نرخ ارز ثابت ، مالیات و سایر ناکارآمدی ها باعث برهم خوردن برابری قدرت خرید می شود. برخی از نظریه پردازان معتقدند این ایده در مقایسه با کشورها یا مناطقی با معیارهای زندگی مشابه صادق است ..... **تفصیل توسط این قلم** [ اندازه گیری می شود.

این را با تولید ناخالص داخلی آمریکا به ارزش اسمی ( 21.345 ) تریلیون دلار (به معنای 2019 اسمی) و ( 64.767 ) دلار / سرانه (سال 2019)) مقایسه کنید و این باعث می شود چین دومین اقتصاد بزرگ جهان از نظر اسمی باشد که پیش بینی می شود تا سال ( 2026 ) از ایالات متحده فراتر رود. ، هنگامی که دو تولید ناخالص داخلی را با مقادیر (PPP) خود مقایسه می کنیم ، چین شماره یک است. که در سال ( 2016 ) از ایالات متحده پیشی گرفته است.

اندازه گیری شده توسط PPP، چین امروزه بزرگترین اقتصاد جهان است، زیرا تنها ارقامی که اهمیتی در تولید و مصرف اقتصادی دارند، آنها می هستند که قدرت خرید خروجی را منعکس می کنند.

## نمونه هایی از کارآیی اقتصادی

**فرودگاه جدید در پکن:** تنها در مدت « 4 » سال چین با بزرگترین فرودگاه جهان در پکن فرودگاه بین المللی **داکسین** ساخته شد. در روز اول اکتبر ( 2019 )، هنگامی که توسط رئیس جمهوری **جینپینگ** افتتاح شد این فرودگاه یک هفته بعد از افتتاح به فعالیت آماده شد این فرودگاه با تعجب از معماری، حدود ( 700 000 ) مترمربع (تقریباً برابر « 100 » زمین میدان فوتبال) را در بر می گیرد و مسافران را با قطار سریع در ( 20 ) دقیقه به مرکز پکن منتقل می کند. پیش بینی می شود که در سال ( 2021 ) تعداد ( 45 ) میلیون مسافر اسکان داشته باشد و در صورت نیاز به ( 100 ) میلیون مسافر به راحتی و در صورت نیاز می تواند گسترش یابد. این فرودگاه نشانگر این است که **چین** قادر به دستیابی به دستاوردهای خارق العاده ای است - سیگنال آینده بینایی است.

**شهرنشینی سریع در چین:** هنگامی که در سال ( 2017 )، پکن با کمبود مسکن برای کارگران مهاجر کم درآمد روبرو شد، آنها در دوازده ماه ( 100 000 )، آپارتمان کم اجاره ساختند. سرعت توسعه زیرساخت های **چین**، شهرنشینی سریع، فراهم کردن میلیون ها مسکن یارانه جدید برای کارگران مهاجر، الگویی است که در سراسر **چین** کار کرده و در حال تکثیر است. در واقع از نظر اجتماعی و اقتصادی پرداخت می کند. افرادی که نیازی به نگرانی از سرپناه ندارند، سالم تر هستند و زندگی می کنند و بهتر کار می کنند. **چین** در هر سال از سال ( 1950 ) هر ماه برای یک میلیون نفر - برابر کل سهام مسکن سانفرا نسیسکو - در حال ساخت خانه ها بوده است. این سیاست با هدف تا سیس و ایجاد رفاه در بین کارگران، در بین مردم - و در عین حال ابزاری محکم برای اقتصاد **چین** است. توسعه - و خوشبختی مردم از توسعه موفق و سریع مسکن در **چین** از نزدیک توسط استرالیا مشاهده می شود، زیرا شهرهای بزرگ استرالیا، مثل **سیدنی** و **ملبورن** با مشکلات مشابهی روبرو هستند.

## تجارت چین

از سال « 2009 » بزرگترین صادر کننده کالا در جهان بوده است. برآوردهای رسمی حاکی از

. برآوردهای رسمی حاکی از آن است که صادرات **چین** در سال « 2017 » حدود ( 2.1 ) تریلیون دلار بوده است. ارزش کل صادرات این کشور در حدود ( 1500 ) دلار برای هر ساکن یا باشنده ای چینی است. از سال « 2013 »، **چین** نیز به عنوان بزرگترین کشور تجارت جهان تبدیل شده است. **چین** همچنین یک واردکننده مهم است و حدود ( 10 ) درصد از کل واردات جهانی، یعنی حدود ( 1.7 ) تریلیون دلار آمریکا را به خود اختصاص داده و **چین** را به عنوان صادرکننده خالص با مازاد تجاری که در اختیار دارد. حدود ( 400 ) میلیارد دلار آمریکا است - جنگ تجاری با آمریکا را- در زیر مشاهده کنید.

## سیاست های پولی

یوان (Yuan) **چین**، یک پول مستحکم است که توسط اقتصاد چین و طلا حمایت می شود. در سال ( 2017 )، یوان (Yuan) در سبد پولهای ذخیره شده صندوق بین المللی پول (IMF)، که SDR (Special Drawing Right) = حقوق ویژه ترسیم (SDR) به نوعی بین المللی پول ذخیره ارزی است که توسط صندوق بین المللی پول (IMF) در سال ( 1969 ) ایجاد شده است و به عنوان مکمل موجودی ذخایر پولی موجود در کشورهای عضو عمل می کند. در پاسخ به نگرانی درباره محدودیت های طلا و دلار به عنوان تنها وسیله تسویه حساب های بین المللی، SDR ها با اضافه کردن ارزهای ذخیره استاندارد، نقدینگی بین المللی را افزایش می دهند .... **تفصیل توسط این قلم** را تشکیل می دهند - یا حقوق ویژه ترسیم پذیرفته شده است. سبد (SDR) از پنج ارز تشکیل شده است و وزنهاى مربوط به آنها عبارتند از: **دلار آمریکا** (41.73) فیصد ( 30.93 **یورو**)، Renminbi (**یوان چینی**) ( 10.92) فیصد، **ین ژاپنی** ( 8.33) فیصد، **پوند انگلیس** ( 8.09) فیصد یوان (Yuan) در سبد (SDR) کاملاً کم ارزش است، زیرا به سرعت **ارز** را به عنوان **ارز** ذخیره جایگزین می کند. خزانه داران در سرتاسر جهان می فهمند که **دلار** ایالات متحده پول پولی است و هیچ چیزی از آن حمایت نمی کند یعنی که پشتیبان ندارد، در حالی که یوان (Yuan) یک پول محکم و مبتنی بر یک اقتصاد جامد است و به علاوه توسط طلا حمایت می شود.

کاهش **دلار** آمریکا به عنوان **ارز** ذخیره جهانی به معنای کاهش هژمونی **دلار** آمریکا است. این برای ایالات متحده غیرقابل قبول است. بنابراین، واشنگتن به همراه متحدان بزرگ غربی در نظر دارند نقش اصلی ذخیره **دلار** را کنار بگذارند و آن را با نوعی (SDR) جایگزین کنند، که در آن **دلار** نقش برجسته ای را حفظ کند، اما ویژگی های **طرح پونزی** (Panzi-scheme)



= نوعی کلاهبرداری که در آن اعتقاد به موفقیت یک بنگاه اقتصادی وجود ندارد با پرداخت بازده سریع به سرمایه گذاران اول از طریق پول سرمایه گذاری شده توسط سرمایه گذاران بعدی تقویت می شود....**تفصیل توسط این قلم** ) آن دیگر نخواهد بود. آشکاراً قابل مشاهده است.

نسبت بدهی فعلی ایالات متحده به تولید ناخالص داخلی حدود ( 105 ) فیصد است. با این حال ، آنچه که دفتر حسابداری عمومی "**تعهدات برآورده نشده**" نامیده می شود ، حدود ( 700 ) فیصد از تولید ناخالص داخلی (ارزش فعلی خالص - کل تعهدات معوقه با ارزش امروز) است. به گفته رئیس سابق صندوق ذخیره فدرال ، **آلن گرین اسپن** (Alan Greenspan) در پاسخ به سوال خبرنگاری ، "ما هرگز بدهی خود را با پرداخت نخواهیم کرد. ما فقط پول جدید چاپ خواهیم کرد." این یک هرم خطرناک یا طرح پونزی است که اکثر دولت‌ها از آن آگاه هستند و با این وجود بسیاری از آنها به عنوان **ارز** اصلی ذخیره کننده **دلار** هستند. با بالا رفتن یوان (Yuan) ، این ممکن است به سرعت تغییر کند. در واقع ، تبدیل از **دلار** به یوان (Yuan) به عنوان **ارز** ذخیره **ارزی** از قبل آغاز شده است.

با توجه به سبد ذخیره پیش بینی شده غربی برای "پس انداز" **دلار** ، هنوز مشخص نیست که سایر ارزها و وزن مربوط به آنها در "SDR Reserve" جدید چه خواهد بود ، اما بگذارید همان ( 5 ) **ارز** را فرض کنیم. **یوان** (Yuan) ، اگر هنوز هم در سبد ذخیره احتمالاً هنوز ارزش کمتری پیدا می کرد. در این صورت ، این ممکن است دلیل خوبی باشد که **چین** از (SDR Reserve) = (از ذخیره SDR) خارج شود و با ارزش اقتصادی و پولی خود به عنوان **ارز** ذخیره ، با یوان (Yuan) ادامه دهد. یوان شهرت خود را از ثبات خود ساخته است و دیگر نیازی به پشتوانه « SDR » (یا سکه غربی) برای اثبات قدرت خود به عنوان ارز ذخیره ندارد.

## جنگ بر روی تعرفه ها:

در ژوئن سال ( 2018 ) رئیس جمهور ایالات متحده **ترامپ** جنگ تجاری بی پروا را با **چین** آغاز کرد و سپس آن را در سایر کشورها از جمله متحدان اروپایی خود گسترش داد. اما با **چین** بسیار رویه وحشیانه ای را در پیش گرفت. طبق معمول ، واکنش **چین** خصمانه نبود. بلکه عمل بالمقابل بود و آنها به این نیت ؛ که هنوز رویکردی برای جستجوی مذاکرات و سازش که نباید منتفی شود در واقعیت ، گرچه که بازار ایالات متحده برای **چین** ممکن است مهم باشد

اما نه آنقدر مهم که مورد تحقیر واقع شود ، هما نطور که در مورد رویکرد بولدوزر آمریکایی که نه تنها تعرفه ها تحمیل شد ، بلکه تعرفه های وجود داشت که چیزی جز شکل جدیدی از تحریم های اقتصادی نبود .

معنای واقعی و هدف اصلی این تعرفه ها کاهش صادرات **چین** در وهله اول نیست ، بلکه صدمه زدن به یوان (Yuan) است ، زیرا قدرت بدست می آورد و همانطور که قبلاً نیز گفته شد به تدریج نقش **دلار** آمریکا به عنوان **ارز** ذخیره جهانی را به دست گرفت . حدود (20) سال پیش ، **دلار** آمریکا بیش از (90) فیصد کل دارایی های ذخیره شده در خزانه های کشورهای در سراسر جهان را به خود اختصاص داد . امروز ، این درصد به کمتر از (60) فیصد کاهش یافته است و به سرعت در حال محو شدن است . بخش عمده ای از سرزمین های از دست رفته به **دلار** آمریکا توسط یوان (Yuan) **چینی** ساخته شده است . وبا افزایش اهمیت یوان ، هژمونی ایالات متحده بر اقتصاد مردم ، و تسلط بر منابع در جهان محو می شود . با آنهم این چیزها درواشنگتن بدون درگیری کم نمی شود .

## رشد اقتصادی آینده

در آینده نزدیک ، **چین** با محوریت بهبود رفاه عمومی برای همه ، دسترسی همگانی به مسکن ارزان قیمت ، زیرساخت های اساسی ، در حدود (5) تا (7) فیصد نرخ رشد "متوسط" ، با تمرکز بر رشد توزیع افقی خواهد داشت . ، آبرسانی ، فاضلاب ، حمل و نقل عمومی ، آموزش عالی روستایی و همچنین تبادل و هماهنگی فرهنگی داخلی . دو بخش از توسعه اقتصادی ، "رشد افقی" ، ممکن است تفکیک شود (i) هوش مصنوعی (AI) و (ii) بهسازی محیط زیست . نوآوری تکنالوژی .

**چین** یک خانه قدرت از فن آوری های جدید است و بدون شک شماره یک جهان در نوآوری های فناوری است . فقط به ذکر چند ، نه به ترتیب اولویت :

\*سرعت در حال پیشرفت روبات سازی در ساخت و ساز ، و همچنین مداخلات پزشکی ، مانند جراحی و درمان سرطان موضعی .

\* ساخت (3) سه بعدی خدمت به تعداد بیشماری از بخش ها ، از جمله ساخت در بخش طبابت ، تجهیزات طبی ، قطعات تعویض بدن انسان ، تولید مصالح ساختمانی - و موارد

دیگر. پیش بینی چین طی « 20 تا 30 » سال ، همه (در چین) به ظرفیت ساخت و سازهای سه بعدی شخصی دسترسی خواهند داشت.

\* فناوری تشخیص چهره ، ساخت کارتهای دسترسی به شناسه سنتی و حساب های بانکی منسوخ و محافظت از هویت.

\* سیستم های قطار با سرعت بالا ، دامنه ای که چین از ژاپن دور مانده و شماره یک جهان است یعنی راه آهن با سرعت بالا (Shanghai Maglev و Fuxing Hao CR400AF/ BF)؛

\* نسل جدید بازیافت زیباله - به مصالح ساختمانی ، کودها ، سوخت به عنوان منبع انرژی - و موارد دیگر؛

□ معماری و بهره وری از ساختمان ، تنها دو مثال ، (من) فرودگاه بین المللی جدید پکن **داکسین** ، بزرگترین فرودگاه جهان ، که تنها در (4) سال ساخته شده ، با ظرفیت بیش از (100) میلیون مسافر در سال - و یک معماری عالی؛ (ب) "لانه پرندگان" ورزشگاه بازی های المپیک تابستانی (2008) که برای بازی های المپیک زمستانی (2022) نیز استفاده می شود. در کمتر از (5) سال ساخته شده است و یک شاهکار معماری است ، و Intelli هوش مصنوعی (AI) - به زیر مراجعه کنید.

**جاه طلبی چین:** همه چیز ممکن است - و چین قبلاً ثابت کرده است که می توان این کار را انجام داد.

هوش مصنوعی چین (AI) همچنین به سرعت در حال پیشرفت به سمت رهبری در نوآوری فنی برای هوش مصنوعی است و قصد دارد منابع قابل توجهی را برای تحقیق آن سرمایه گذاری کند. در سال (2017) ، شورای امور خارجه (CCP) "برنامه توسعه اطلاعات بعدی نسل" را صادر کرد ، که شامل یک پارک صنعتی به ارزش (2.1) میلیارد **دلاری** معادل **دلار** ایالات متحده . تا سال (2025) ساخته شود ، شورای امور خارجه چین پیش بینی کرد که رهبر تحقیقات هوش مصنوعی باشد و پیش بینی می کند صنعت هسته (AI) در حدود (60) میلیارد دلار ارزش داشته باشد ، در هنگام حسابداری برای صنایع وابسته ، مبلغ (700) میلیارد **دلار** معادل دلار آمریکا. تا سال (2030) را ساختمان کند ، شورای امور خارجه انتظار دارد که چین رهبر جهانی در توسعه (AI) باشد.

**بهبود محیط زیست چین** در بهبود محیط زیست خود جهش‌هایی داشته و تلاش‌های کشورهای غربی را بسیار زیاد کرده است. سیاست‌های زیست محیطی **چین** در حال ایجاد (BRI) در داخل و خارج از کشور با سایه‌های سبز است. پارک‌های جدید با درختان و مناطقی برای تفریح در هر شهر بزرگ **چین** ظاهر می‌شود. به گفته یک متخصص در دانشکده تنظیم و مدیریت جهانی دانشگاه ملی استرالیا، پکن طی (5) سال گذشته کیفیت هوا خود را (30) درصد بهبود داده است.

مطالعه دانشگاه شیکاگو نشان می‌دهد که شهرهای **چین** غلظت ذرات ریز در هوا را بین سالهای (2014) تا (2018) به طور متوسط (32) درصد کاهش داده‌اند.

مردم و دولت **چین** برای محافظت از محیط زیست و اکوسیستم‌ها نهایت اهمیت می‌دهند. توسعه سبز باعث بهبود سلامت عمومی می‌شود، اما برای سرمایه‌گذاری‌ها نیز جذاب است.

**چین** یک برنامه "سبز" سه ساله برای بهبود کیفیت هوا و تشدید مقررات دارد. کیفیت هوا یکی از مهمترین مسائل زیست محیطی در مورد **چین** است. به این معنا که دولت در حال تسریع در برق‌کشی و سایر نقلیه است و تعهد کرده است که تا سال (2030) تمام اتومبیل‌های جدید از طریق برق تأمین می‌شوند. دولت همچنین با کیفیت آب آشامیدنی و کمبود و همچنین بهبود بهداشت شهری و روستایی روبرو است. اینها گزاره‌های طولانی مدت هستند. برآورد هزینه برای کلیه برنامه‌های زیست محیطی **چین** به راحتی در دسترس نیست اما ممکن است به راحتی در طی یک دوره ده ساله به صد ها میلیارد **دلار** معادل **دلار آمریکا** برسد.

## نتیجه:

چند سال پیش، **چین**، **روسیه** و دیگر کشورهای سازمان اقتصادی شانگهای (SCO) با استفاده از سیستم انتقال پول بین بانکی متقابل چینی (CIPS)، تجارت خود را با ارزهای محلی خود با یک سیستم انتقال پولی غیر غربی آغاز کرده‌اند. این کنترل خارج از سیستم انتقال (SWIFT) غربی نیست و از این طریق از رژیم تحریم‌های آمریکا فرار می‌کند. به تدریج (SCO) و کشورهای وابسته خود را از سیستم **فیات** مبتنی بر **دلار** غربی جدا می‌کنند.

از نظر تجارت، کشورهای مربوط به (SCO)، به طور عمده **چین**، اکثر بازارهای آسیا را کنترل می‌کنند، حتی سریعاً وارد ژاپن و استرالیا می‌شوند و در آمریکای لاتین و آفریقا هم اکنون حضور دارند. قبل از مدت‌ها اروپا این روشنی را خواهد دید و به سمت شرق

خواهد چرخید. این یک تصمیم عادلانه خواهد بود اولین بار در محدوده عظیمی اوراسیا، از جمله خاورمیانه و مناطقی از آفریقا - از زمان جاده ابریشم باستان، بیش از (2000) سال پیش، روش منطقی تجارت بوده است.

**چین** آینده بینایی ویا بصیرتی خوبی دارد که از (70) سال پیش آغاز شده بود و شش سال پیش با آغاز کار کمربند **شی جین پینگ** از ابتکار عمل کمربند و جاده بهبود یافت. (BRI) حد اقل (50 تا 100) سال آینده به گسترش جهان می پردازد و توسعه در دنیا ی چند قطبی گسترش می یابد، برابری و بهزیستی برای همه تأکید می کند. سرمایه گذاری های (BRI) ممکن است در چند تریلیون حساب شود و توسط **چین** و کشورهای شرکت کننده تأمین می شود، با بازده اقتصادی؛ اقتصادی که نمی تواند به صورت خالص پولی بیان شود، زیرا سرمایه گذاری ها نیز با مزایای غیرقابل تحمل اجتماعی، با کاهش فقر، بهبود یافته است. که این بهبودی توأم با تأمین صحت، آموزش عالی و بهتر و به طور کلی بخاطر رفاه مردم بوده است. جنبه روشن این ابتکار، فلسفه چینی عدم تجاوز، دیپلماسی برای حل مناقشات و ترویج همزیستی و توسعه اقتصادی مسالمت آمیز در سراسر جهان است.

عزم **چین** برای توسعه با اقتصاد "سبز"، "BRI" سبز و رشد تقسیم و توزیع افقی که برابری و گنجاندن تأکید دارد، الگویی برجسته برای پذیرش جهان است. این یک الگویی برای ایجاد جامعه ای با آینده مشترک برای بشر است.

## چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

**پیتر کونینگ** یک اقتصاددان و تحلیلگر ژئوپلیتیک است. او همچنین متخصص منابع آب و محیط زیست است. وی بیش از 30 سال با بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی در سراسر جهان در زمینه های محیط زیست و آب همکاری داشت. او در دانشگاه های آمریکا، اروپا و آمریکای جنوبی به سخنرانی می پردازد. او مرتباً برای تحقیقات جهانی می نویسد. ICH؛ RT؛ اسپوتنیک؛ PressTV؛ قرن بیست و یکم؛ گرانویل پست؛ دفاع از دموکراسی مطبوعات، TeleSUR؛ ویلاگ ساکر، چشم انداز جدید شرقی (NEO)؛ و سایر سایتهای اینترنتی او نویسنده کتاب "انفجار" - یک محرک اقتصادی در مورد جنگ، نابودی محیط زیست و حرص و شرکت است - داستان مبتنی بر حقایق و 30 سال تجربه بانک جهانی در سراسر جهان. او همچنین از نویسندگان همکاران نظم و انقلاب جهانی است! - مقاله هایی از مقاومت. او یک عضو

تحقیقات مرکز تحقیقات جهانی سازی است.

منبع اصلی این مقاله تحقیقات جهانی است ( *Global Research* )

کپی رایت © پیتر کونینگ ، تحقیقات جهانی

----- **با تقدیم سلام ها «2019-12-22»**

## **Conclusion**

*A few years ago, China, Russia and other SCO countries have started trading among themselves in their local currencies with a non-western monetary transfer system, using mostly the Chinese Cross-Border Interbank Payment System (CIPS). It is out of control of the western SWIFT transfer system, thereby escapes the sanctions regime of the US. Gradually, the SCO and associated countries are detaching themselves from the western dollar-based fiat system.*

*In terms of trading, the SCO countries, mainly China, control most of the Asian markets, even making rapid inroads into Japan and Australia, and are evermore present in Latin America and Africa. Before long Europe will see the light and turn eastwards. It would be a wise decision. Dealing first within the confines of the huge Eurasian landmass, including the Middle East and parts of Africa – has been the logical way of trading since the Ancient Silk Road, more than 2,000 years ago.*

*China has a great visionary future that had already begun 70 years ago, and was enhanced six years ago with President Xi Jinping's launching of the Belt and Road Initiative. BRI will continue spanning the globe for the next at least 50 to 100 years, spreading development in a multi-polar world, stressing equality and wellbeing for all. BRI investments may be counted in the multi-multi trillions and will be funded by China and the participating countries, with a socio-economic return that cannot be expressed in sheer monetary terms, as investments will also bring unfathomable social benefits, poverty reduction,*

*improved health, higher and better education and, generally improving people's wellbeing.*

*The bright side of this initiative, is the Chinese philosophy of non-aggression, of diplomacy to resolve conflicts and of promoting peaceful economic coexistence and development around the globe.*

*China's determination to develop with a "green" economy, a "green" BRI and a horizontal distributive growth that emphasizes equality and inclusion is a landmark model for the world to embrace. It is a model to construct a **Community with a Shared Future for Mankind.***

\*

*Note to readers: please click the share buttons above or below. Forward this article to your email lists. Crosspost on your blog site, internet forums. etc.*

***Peter Koenig** is an economist and geopolitical analyst. He is also a water resources and environmental specialist. He worked for over 30 years with the World Bank and the World Health Organization around the world in the fields of environment and water. He lectures at universities in the US, Europe and South America. He writes regularly for Global Research; ICH; RT; Sputnik; PressTV; The 21<sup>st</sup> century; Greenville Post; Defend Democracy Press, TeleSUR; The Saker Blog, the New Eastern Outlook (NEO); and other internet sites. He is the author of *Implosion – An Economic Thriller about War, Environmental Destruction and Corporate Greed* – fiction based on facts and on 30 years of World Bank experience around the globe. He is also a co-author of *The World Order and Revolution! – Essays from the Resistance.**

*He is a Research Associate of the Centre for Research on Globalization.*

*The original source of this article is Global Research  
Copyright © Peter Koenig, Global Research*











# Two More U.S. Deaths for Nothing in Afghanistan

*by Jacob G. Hornberger*

November 20, 2019

Two more U.S. soldiers have been killed during combat-support operations in Afghanistan. This brings to 19 the number of U.S. soldiers killed so far this year in the U.S. government's forever war in that country. A total of 2,400 U.S. soldiers have been killed in Afghanistan since the U.S. invaded the country in 2001. It is unknown how many people U.S. forces have killed in Afghanistan because the U.S. government's policy is to not keep track of the number of foreigners who are killed.

An interesting question arises: What will U.S. officials tell the family members of those two dead soldiers?



Will they be told that they died for freedom? If so, it will be a lie, just as it was a lie when U.S. officials told the families of 58,000 American soldiers the same thing when their bodies were brought back from the long war in Vietnam. American soldiers killing and dying in Afghanistan are not defending the freedom of the American people because no one in Afghanistan is threatening the freedom of the American people.

In other words, the Taliban are not marshaling their forces in Afghanistan with the intent of invading the United States, conquering the nation, taking over the federal government and the IRS, and enslaving the American people. They are not organizing hundreds of thousands of transport ships and planes, rounding up millions of invading forces, and establishing billion-dollar supply lines to cross the Atlantic with the aim of invading and occupying the United States. They are simply vying for power in a civil war within their own country after being ousted from power by the U.S. government during its 2002 invasion.

### **The “harboring” rationale**

U.S. officials might tell the family of those men that they died to prevent the Taliban from again “harboring” al Qaeda. If so, that too will be a lie.

The U.S. government never had any evidence of Taliban complicity in the 9/11 attacks. Simply because an accused terrorist is living in a certain country doesn’t make the government of that country complicit in terrorist attacks carried out by people living within the country.

Moreover, one would think that if the U.S. officials use the harboring-terrorists rationale to justify the deaths of those two soldiers, their families might at some point wonder why terrorists need Afghanistan to plan anti-American terrorist attacks, given that there are hundreds of other countries around the world where such plans can be made.

### **Regime-change war and extradition**

The reason that U.S. official decided to initiate a regime-change war against the Taliban regime is because the Taliban regime refused to comply with the unconditional extradition demand for al Qaeda leader Osama bin Laden. But under the law, the Taliban regime was not required to comply with that unconditional extradition demand because there was no extradition treaty between Afghanistan and the United States. In

any event, that's why the U.S. waged war against Afghanistan — not because the Taliban had knowingly “harbored” an accused terrorist but because it refused to comply with the U.S. government's unconditional extradition demand, which it was entitled to do under the law. Thus, the war against the Taliban was about extradition, which is not the noblest or most glorious thing to die for.

### **Interventionism and perpetual war**

There is something else to consider: Anti-American terrorism, including the 9/11 attacks, is rooted in U.S. interventionism abroad. That's what makes the U.S. government's “war on terrorism” a perpetual war, which in turn ensures ever-increasing budgets for the military-industrial complex and also ensures the continued destruction of American liberty. U.S. soldiers kill people over there, and the family members and friends of the victims retaliate by killing U.S. soldiers or other Americans, which then causes U.S. forces to kill more people over there, and on and on.

The original reason for invading Afghanistan some 16 years ago was to get Osama bin Laden and bring him to justice for complicity in the 9/11 attacks. It's worth mentioning that they killed bin Laden a long time ago and yet U.S. troops have been kept in Afghanistan, where they have been killing and dying for years thereafter.

### **An illegal war and ignoble deaths**

There is another point worth mentioning. The U.S. Constitution requires the president to secure a declaration of war from Congress before he and his military can legally wage war against another nation-state. That never happened, which means that for 18 long years U.S. forces have been killing and dying in a war that is illegal under our form of government.

Of course, U.S. officials could tell the families of those two dead soldiers that they died so that U.S. officials could arrive at some face-saving arrangement with the Taliban that would enable them to withdraw from Afghanistan with “victory.” My hunch, however, is that they're not going to tell family members that that's what their loved ones died for because that certainly wouldn't strike most anyone as being a worthy thing to die for.

The U.S. government should tell the families of those two dead soldiers the truth: they died for nothing, just as 58,000 American soldiers died for nothing in the Vietnam War. The realization that one's loved ones died for nothing would be painful but at least it would be the truth.